

نظریه‌پردازی اسلامی  
در علوم انسانی

---

احمد حسین شریفی

عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)

---

---

زمستان ۱۳۹۷

---

## فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
فصل اول: چیستی و اهمیت روش نظریه پردازی	۲۱
روش و دانش	۲۱
سطوح مختلف روش	۲۵
یک. تکنیک های گردآوری داده ها	۲۵
دو. روش داوری	۲۶
سه. روش شناخت و تحلیل	۲۷
چهار. روش نظریه پردازی	۲۸
ضرورت نوآوری در روش های نظریه پردازی	۲۸
چیستی نظریه و نظریه پردازی	۳۱
تنوع و نکثر تعاریف	۳۲
جمع بندی و ارائه تعریف برگزیده	۳۹
ویژگی های چهارده گانه نظریه جامع	۴۰
انواع نظریه	۴۶
جمع بندی و نتیجه گیری	۵۱

۵۳	فصل دوم: نظریه بحران: بررسی مدل نظریه شناسی توماس اسپریگنز.....
۵۳	مقدمه.....
۵۸	توصیف مدل نظریه شناسی اسپریگنز.....
۵۸	گام اول: بحران و مشاهده بی نظمی.....
۶۰	گام دوم: تشخیص درد.....
۶۲	گام سوم: ترسیم وضعیت مطلوب.....
۶۵	گام چهارم: راه درمان؛ ارائه راه حل.....
۶۶	نقاط قوت.....
۶۷	یک. بیان منطق طبیعی نظریه پردازی.....
۶۷	دو. سهولت و سادگی.....
۶۷	سه. انسجام و هماهنگی.....
۶۸	نقص ها و اشکالات.....
۶۸	یک. اجمال.....
۶۸	دو. بی توجهی به مدل های تبیین و کنترل.....
۶۹	سه. بی توجهی به بنیان های نظری.....
۷۰	چهار. عدم جامعیت.....
۷۱	پنج. تلازم پنداری میان بحران و ناکارآمدی نظریه های پیشین.....
۷۳	جمع بندی و نتیجه گیری.....
۷۵	فصل سوم: بررسی روش نظریه پردازی داده بنیاد.....
۷۵	مقدمه.....
۸۰	تعریف و بیان ویژگی ها.....
۸۳	مراحل اجرای روش داده بنیاد.....

نظریه پردازی اسلامی در علوم انسانی ♦ ۷

- یک. مسأله تحقیق..... ۸۸
- دو. گردآوری داده‌ها..... ۸۸
- سه. کدگذاری داده‌ها..... ۸۹
- چهار. نگارش و تدوین نظریه..... ۹۸
- پنج. اعتبارسنجی نظریه..... ۹۹
- ویرگی‌های مثبت و منفی..... ۱۰۱
- یک. تناسب با واقعیت‌های عینی..... ۱۰۱
- دو. نادیده گرفتن فرضیه..... ۱۰۲
- سه. توجه به نقش نظریه پرداز..... ۱۰۲
- چهار. بی توجهی به پیشینه تحقیق..... ۱۰۴
- پنج. نادیده گرفتن رابطه میان نظریه و مبانی نظری..... ۱۰۶
- شش. روشی برای کدگذاری و نه تحلیل..... ۱۰۶
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... ۱۰۷
- 
- فصل چهارم: بررسی روش نظریه پردازی واقع‌گرایانه شهید صدر..... ۱۱۱
- مقدمه..... ۱۱۱
- بنیان‌های نظری روش نظریه پردازی شهید صدر..... ۱۱۳
- یک. توجه به بینش‌های اسلامی..... ۱۱۳
- دو. نگاه سیستمی به آموزه‌های اسلامی..... ۱۱۵
- سه. اعتقاد به جامعیت اسلام..... ۱۱۶
- چهار. تفسیر موضوعی به جای ترتیبی..... ۱۱۸
- پنج. عدم امکان «علم اسلامی»..... ۱۲۰
- فرایند کشف نظریه..... ۱۲۲

- گام اول: تعیین مسأله..... ۱۲۲
- گام دوم: نظریه شناسی..... ۱۲۳
- گام سوم: فرضیه پردازی..... ۱۲۳
- گام چهارم: جمع آوری نصوص همسو..... ۱۲۴
- گام پنجم: نگاه مجموعی داشتن به نصوص گردآوری شده..... ۱۲۵
- بیان یک نمونه..... ۱۲۶
- تشریح نقاط قوت و ضعف..... ۱۲۷
- یک. واقع گرایی روش شناختی..... ۱۲۷
- دو. نگرش اجتماعی به جای نگاه فردی..... ۱۲۸
- سه. نقش نظریه پرداز در فرایند اکتشاف..... ۱۲۹
- چهار. بی توجهی به مبانی معرفت شناختی و انسان شناختی..... ۱۳۰
- پنج. انکار «علم اسلامی»..... ۱۳۱
- شش. عدم حجیت اجتهادات دیگران..... ۱۳۲
- هفت. جای خالی ضوابط و قواعد فقهی..... ۱۳۳
- هشت. عدم ذکر مکانیزیمی برای نگاه مجموعی داشتن..... ۱۳۵
- نه. تأثیر پذیری از نگاه پزیشیویستی..... ۱۳۵
- جمع بندی و نتیجه گیری..... ۱۳۷
- فصل پنجم: عوامل زمینه ای نظریه پردازی..... ۱۳۹
- مقدمه..... ۱۳۹
- یک. عوامل ساختاری نظریه پردازی..... ۱۴۲
- دو. عوامل اقتصادی نظریه پردازی..... ۱۴۵
- سه. عوامل سیاسی نظریه پردازی..... ۱۵۰

چهار. بحران‌های اجتماعی و تولید علم.....	۱۵۲
پنج. عوامل روان‌شناختی و شخصیتی نظریه‌پردازی.....	۱۵۷
شش. عوامل اخلاقی نظریه‌پردازی.....	۱۶۶
پاسخ چند پرسش.....	۱۷۱
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۷۷
فصل ششم: نقش مبانی فلسفی در نظریه‌پردازی.....	۱۸۱
مقدمه.....	۱۸۱
تعیین روش گردآوری و تحلیل داده‌ها.....	۱۸۲
تعیین چارچوب مفهومی نظریه.....	۱۸۴
تعیین هدف‌گذاری نظریه‌پرداز.....	۱۸۵
شکل‌دهی به نوع توصیف و تبیین.....	۱۸۶
مبانی فلسفی و نقش آنها در پیش‌بینی.....	۱۸۶
وابستگی کنترل به مبانی ارزش‌شناختی.....	۱۸۹
نمونه‌هایی از تأثیر مبانی فلسفی در نظریه‌های علوم انسانی.....	۱۸۹
یک. تأثیر در اندیشه‌های سیاسی.....	۱۸۹
دو. تأثیرگذاری در نظریه‌های روان‌شناسی.....	۱۹۷
سه. نقش آفرینی در تحلیل جامعه‌شناسی پرخاشگری.....	۲۰۵
چهار. مبانی ارزش‌شناختی و نظریه‌های اجتماعی.....	۲۱۰
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۱۶
فصل هفتم: ویژگی‌های عمومی نظریه‌پردازان.....	۲۱۹
ویژگی‌های مشترک.....	۲۱۹

- ۲۱۹..... یک. گستره دانش
- ۲۲۰..... دو. توانمندی شناختی
- ۲۲۱..... سه. پایبندی به مبانی نظری
- ۲۲۱..... چهار. تحمل ابهام و آشفتگی
- ۲۲۲..... پنج. تحمل بازگشت به عقب
- ۲۲۲..... شش. سخت کوشی
- ۲۲۵..... هفت. پرهیز از داوری عجولانه
- ۲۲۶..... هشت. نگاه متأملانه
- ۲۲۷..... ویژگی های نظریه پردازان دینی
- ۲۲۷..... یک. برخورداری از نورانیت درونی
- ۲۲۸..... دو. حق طلبی
- ۲۳۰..... سه. پرهیز از نظریه پردازی های بی ضابطه
- ۲۳۰..... چهار. برخورداری از قوه قدسیه
- ۲۳۶..... مهارت های عملی نظریه پردازان
- ۲۳۶..... یک. مهارت ارجاع مسائل، به مبانی
- ۲۳۷..... دو. تمرین و ممارست در تفریع فروع
- ۲۳۹..... جمع بندی و نتیجه گیری
- ۲۴۱..... فصل هشتم: پیش نیازهای علمی
- ۲۴۲..... آگاهی هایی درون رشته ای
- ۲۴۲..... یک. نظریه شناسی
- ۲۴۸..... دو. آگاهی از مرزهای دانش در موضوع یا مسأله مورد نظر
- ۲۴۸..... سه. آگاهی از مقتضیات عصر حاضر

## مقدمه

نظریه پردازی قله فعالیت‌های علمی است. صعود به این قله هر چند آرمان برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و از مهم‌ترین آمال محققان و اندیشمندان است؛ اما توانمندی‌های علمی و مهارتی فراوان، ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی متمایز و شرایط اجتماعی خاصی را می‌طلبد. به همین دلیل، در طول تاریخ علمی بشر، صعودیافتگان به این قله، اندک‌شمارند. در عین حال، بسیاری از اندیشمندان به درستی بر این باورند که در این میان نقش اصلی و بی‌بدیل در وصول به این قله، بر عهده «روش» است. روشی که با عمل به آن بتوان از پیچ و خم‌ها و پستی و بلندی‌های موجود در مسیر صعود به این قله مرتفع به سلامت عبور کرد. نقش‌آفرینی روش در این مسیر به گونه‌ای است که حتی اگر توانایی‌ها و استعداد‌های شخصی و امکانات و شرایط محیطی و اجتماعی همگی فراهم باشند، اما روشی مطمئن برای وصول به این هدف در اختیار نباشد، احتمال صعود به قله، نزدیک به صفر است.

تحقیق بدون روش نه تنها بی‌فایده که گمراه‌کننده است. انسان لنگی که در مسیر صحیح حرکت می‌کند از دوندۀ چالاک‌ی که در مسیر انحرافی می‌دود، زودتر به مقصد می‌رسد. کسی که در مسیر انحرافی پیش می‌رود، هر اندازه تندتر برود به همان اندازه هم در مسیر اشتباه، جلوتر می‌رود. اگر روش درست در تحقیق علمی به کار گرفته شود، تأثیر استعداد‌های شخصی بسیار ناچیز خواهد بود. فیلسوف عقل‌گرای فرانسوی، رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) کتاب



هر چند دربارهٔ ابعاد مختلفی از روش مثل روش‌های گردآوری، روش داوری، روش نقد و امثال آن مکتوبات فراوانی داریم اما دربارهٔ روش نوآوری و نظریه‌پردازی، کتاب‌ها و مقالات اندک‌شماری در اختیار است. وقتی به عرصهٔ علوم انسانی اسلامی وارد می‌شویم و یا روش نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی را جویا می‌شویم فقر و فقدان منابع معتبر و مفید را بیشتر احساس می‌کنیم. و همواره دانشجویان و محققان علوم انسانی اسلامی بحق مطالبهٔ روشی را داشتند که بتوان با آن نظریهٔ اسلامی را در مسائل علوم انسانی به دست آورد. به راستی چگونه و از چه راهی می‌توانیم از نظر علمی مطمئن شویم نظریه‌ای را که به اسلام نسبت می‌دهیم واقعاً نظریهٔ اسلامی است؟ به تعبیر دیگر، آیا راهی مطمئن برای کشف نظریهٔ اسلامی در مسائل علوم انسانی وجود دارد یا نه؟ اگر هست، مراحل و مسیر آن به چه صورت است؟

من پیش از این در کتاب‌های مبانی علوم انسانی اسلامی و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی بنیان‌های اصلی ارائهٔ مدلی جدید برای نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی را فراهم کرده‌ام. آن دو کتاب علیرغم استقلال‌لی که داشته و دارند، به یک معنا مقدمات علمی ورود به این موضوع را نیز فراهم می‌کنند. به همین دلیل، توصیه من به همهٔ خوانندگان گرامی این است که اگر تاکنون آن دو کتاب را مطالعه نکرده‌اند، برای بهره‌مندی بیشتر از مطالب این کتاب، لازم است ابتدا آنها را مطالعه کنند.

به هر حال، در فصل نخست این نوشتار کوشیده‌ام توضیحاتی دربارهٔ چستی نظریه‌پردازی و اهمیت و ضرورت آن ارائه دهم و با نیم‌نگاهی به تعاریف بسیار فراوانی که برای «نظریه» مطرح شده است، سعی کرده‌ام مراد خود را از نظریه و نظریه‌پردازی مشخص کنم. به اعتقاد نگارنده نظریه در علوم انسانی عبارت است از گزاره یا گزاره‌هایی کلی و تعمیم‌پذیر که به توصیف، تفسیر، تبیین،

پیش‌بینی، ارزشیابی و یا کنترل مسأله‌ای از مسائل انسانی می‌پردازد. البته این گزاره کلی و تعمیم‌پذیر باید ویژگی‌هایی داشته باشد که در متن کتاب به تفصیل توضیح داده شده‌اند.

در سه فصل بعدی به ترتیب سه مدل مشهور و تأثیرگذار در حوزه نظریه پردازی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ام: مدل توماس اسپریگنز که به «نظریه بحران» شهرت یافته است، مدل آنسلم استراوس و جولیت کوربین که با عنوان مدل «نظریه پردازی داده‌بنیاد» شناخته می‌شود و مدل شهید سیدمحمدباقر صدر که با عنوان «روش نظریه پردازی واقع‌گرایانه» نامگذاری شده است.

دلیل انتخاب این سه مدل، اولاً، ارزشمندی آنها و قوت و استحکامی است که در آنها مشاهده می‌شود؛ ثانیاً، تأثیرگذاری آنها و شکل‌گیری ده‌ها تحقیق علمی با استناد به این مدل‌ها بوده است؛ و ثالثاً، اعتقادی که در میان تعداد زیادی از نویسندگان اسلامی گسترش یافته است مبنی بر اینکه طی کردن جاده پژوهش بر اساس این الگوها می‌تواند ما را به نظریه اسلامی و تولید علم دینی برساند! ما در بررسی این سه مدل ضمن تأکید بر نقاط قوت هر یک از آنها، ضعف‌ها و نقص‌هایشان را نیز گوشزد کرده و هیچ‌کدام را روش‌هایی مطمئن برای اکتشاف نظریه اسلامی ندانسته‌ایم و البته در فصل پایانی با بهره‌گیری از نقاط قوت هر کدام از این روش‌ها، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌ایم که حتی الامکان روشی کامل‌تر و بی‌نقص‌تر برای اکتشاف نظریه اسلامی در علوم انسانی ارائه دهیم.

در فصل پنجم به تشریح و تحلیل عوامل زمینه‌ای نظریه پردازی (اعم از عوامل ساختاری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، روان‌شناختی و اخلاقی) پرداخته‌ایم. نکته مهمی که در این فصل تلاش کرده‌ایم به خوانندگان منتقل کنیم این است که اولاً، نظریه پردازی در علوم انسانی در بسترهای خاصی شکل

می‌گیرد و علل و عوامل فردی و اجتماعی نه تنها در تولید نظریه که در کیفیت آن نیز تأثیر می‌گذارند و ثانیاً، این تأثیرگذاری هرگز نباید در مقام داوری درباره نظریه‌ها، نقش‌آفرین باشد. یک نظریه علمی حتی الامکان باید بتواند خود را از وابستگی به شخصیت و فرهنگ نظریه‌پرداز و همچنین شرایط محیطی و اجتماعی پیدایش نظریه جدا کند. این کار را می‌تواند با تبعیت از ضوابط منطقی و عقلی و علمی انجام دهد. به همین ترتیب، در سنجش ارزش یک نظریه و داوری درباره آن باید تعلقات فرهنگی و ارزشی را نادیده گرفت و بر اساس ضوابط علمی و عقلی به داوری درباره درستی یا نادرستی یک نظریه یا کارآمدی و ناکارآمدی آن پرداخت.

در فصل ششم به بحث از نقش مبانی فلسفی در نظریه‌پردازی پرداخته‌ایم. در این فصل نشان داده‌ایم که مبانی فلسفی (اعم از مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی) در ابعاد مختلف نظریه‌پردازی نقش‌آفرینی می‌کنند. اولاً، در تعیین روش گردآوری و تحلیل داده‌ها آثار و پیامدهای خود را نشان می‌دهند؛ ثانیاً، در تعیین چارچوب مفهومی نظریه و خلق و ابداع مفاهیم جدید نقش خود را برجای می‌نهند؛ ثالثاً، در تعیین هدف غایی به عنوان نقطه آرمانی حرکت علمی نظریه‌پرداز دخالت می‌کنند؛ و رابعاً، در شکل‌دهی به مولفه‌های مهم یک نظریه یعنی توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل هرگز نمی‌توان مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی را نادیده گرفت. افزون بر این، در این فصل نمونه‌هایی واقعی و عینی را برای نشان دادن نقش آفرینی مبانی فلسفی در نظریه‌های سیاسی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی ذکر کرده‌ام.

فصل هفتم، به بیان ویژگی‌های عمومی نظریه‌پردازان اختصاص یافته است. در این فصل ابتدا ویژگی‌های تقریباً مشترک میان همه نظریه‌پردازان علوم انسانی را مورد توجه قرار داده‌ام. ویژگی‌هایی مثل گستره دانش، توانمندی‌های

شناختی، پایبندی به مبانی نظری، تحمل ابهام و آشفتگی، تحمل بازگشت به عقب، سخت‌کوشی، پرهیز از نگاه عجولانه و برخورداری از نگاه متأملانه را به عنوان ویژگی‌های عمومی نظریه‌پردازان ذکر کرده‌ام. در ادامه نیز ویژگی‌های اختصاصی نظریه‌پردازان دینی را بیان کرده‌ام. یعنی کوشیده‌ام نشان دهم که برای نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی چه ویژگی‌هایی باید داشت. در این راستا به اموری همچون برخورداری از نورانیت درونی، حق‌طلبی، قرآن‌شناسی، برخورداری‌های اخلاقی ویژه‌ای که با عنوان قوه قدسیه از آنها یاد شده است؛ در کنار داشتن مهارت لازم در ارجاع مسائل به مبانی و لزوم تمرین و ممارست در تفریع فروع اشاره کرده‌ام.

فصل هشتم، به تبیین پیش‌نیازهای علمی نظریه‌پردازی اسلامی در قلمرو علوم انسانی اختصاص یافته است. که آنها را به دو دسته کلی آگاهی‌های درون‌رشته‌ای و آگاهی‌های اسلامی تقسیم کرده‌ام. در بخش آگاهی‌های درون‌رشته‌ای به ضرورت نظریه‌شناسی، آگاهی از مرزهای دانش در قلمرو موضوع مورد بحث و آگاهی از مقتضیات عصر اشاره کرده و در بخش آگاهی‌های اسلامی به ضرورت آشنایی با مسائلی از قبیل زبان اسلام، تاریخ و فرهنگ صدر اسلام، قرآن، حدیث و دانش‌های حدیثی، دانش‌های اسلامی ناظر به روش (منطق، اصول و معرفت‌شناسی) و همچنین آشنایی با مبانی نظری اسلامی در حوزه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی پرداخته‌ام.

و بالاخره در واپسین فصل تحت عنوان «روش نظریه‌پردازی اکتشافی» کوشیده‌ام مدل مورد قبول خود را برای نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی عرضه کنم. بدین منظور ابتدا اشاره‌ای به مفروضات معرفت‌شناختی و دین‌شناختی این مدل کرده‌ام و سپس فرایند اکتشاف نظریه اسلامی را در نه

گام تشریح کرده‌ام. نویسنده معتقد است اگر کسی با دقت این نه گام را طی کند، تا حد معقول و مقبولی و با اطمینان خاطر عالمانه‌ای می‌تواند محصول پژوهش خود را به عنوان یک نظریه اسلامی عرضه کند. این نه گام عبارتند از «تعیین و تبیین موضوع یا مسأله تحقیق»، «گردآوری پاسخ‌های ارائه شده به مسأله تحقیق»، «تحلیل پاسخ‌های گردآوری شده»، «جستجو در منابع و متون اسلامی»، «اعتبارسنجی مستندات گردآوری شده»، «فهم عمیق متون و اطلاعات گردآوری شده»، «عرضه محصول کار بر ضوابط اسلامی حاکم بر قلمرو مربوط»، «عرضه محصول گام پیشین بر قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی» و بالاخره «عرضه نتایج گردآوری شده از مراحل پیشین بر مقاصد و غایات زیست اسلامی».

در پایان بر خود لازم می‌دانم از همه کسانی که در طول این پژوهش یاری‌گر من بودند، صمیمانه تشکر کنم. از رئیس فرهیخته مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی که با تشویق‌ها و حمایت‌های علمی و عملی خود نقش اصلی در به ثمر رسیدن این تحقیق را داشتند و از جناب دکتر عطاءالله رفیعی‌آثانی و همکاران علمی ایشان در دبیرخانه کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی که با مطالعه پیش‌نویس این اثر و بیان نکاتی سودمند، در بهبود آن کمک کردند، تشکر ویژه دارم. امیدوارم محققان و پژوهشگران علوم انسانی اسلامی و همه کسانی که این کتاب را مطالعه می‌کنند، نویسنده را شایسته دریافت نقدهای خود بدانند.

احمدحسین شریفی

۱۳۹۷/۹/۲۵

مصادف با میلاد مبارک امام حسن عسکری علیه السلام